

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جاناتان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مژده‌ی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

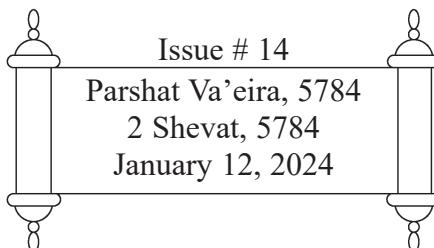
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, January 12, Light Shabbat Candles, by 4:45 p.m.
Saturday, January 13, Shabbat ends at 5:50 p.m.
(Times are for Los Angeles)

وائرا

بعد از آنکه خداوند مُشه را نزد فرعون فرستاد که از او بخواهد که بیسrael هارا آزاد کندنه فقط درخواست او عملی نشد بلکه این عمل باعث شد که فرعون بردگی آنها را سخت تر کند. بنابراین مُشه از خداوند می پرسد که «چرا به این قوم بدی کردی؟» جوابی که او میگیرد این است که او باید ایمانی همچون اوراهام یسحاق و یعقوب داشته باشد که هرگز خداوند را مورد سؤال قرار ندادند. این مبحث در مورد نوع ایمان پدران ما و این که چرا مُشه این عمل خداوند را مورد سؤال قرار میدهد سخن می گوید. و کاربرد جوابی که خداوند به مُشه میدهد را مطرح می کند.

۱- سؤال مُشه

در پایان پاراشای قبلی می خوانیم که "مُشه از خداوند می پرسد: چرا به این قوم بدی کردی؟" اهمیت این سؤال در این است که چگونه ماموریتی که خداوند دستور داده است و بوسیله مُشه انجام میشود. و در مورد آزادی از مصر می باشد . می تواند باعث اضافه شدن بیشتر رنج و بدیختی بیسrael ها بشود؟ آزادی بخودی خود کاملا چیز خوبی است^۱ " مُشه که عامل انجام این ماموریت است نیز عامل خوبی است"^۲ و خداوند که فراهم کننده این آزادیست نیز مظہر خوبی است . بنابراین علت این اضافه شدن بیشتر "رنج و بدیختی بیسrael ها چه بود؟"^۳ .

وجوابی که خداوند به مُشه می دهد در آغاز این پاراشا آمده است که " خداوند به او گفت من خداوند هستم و من به اوراهام یسحاق و یعقوب با نام خداوند قادر مطلق (کل شدای) ظاهر شدم امانام من چهار حرفی ام راه به آنها نشناساندم ".^۴ به عبارت دیگر خداوند مُشه را مورد عتاب قرار داده و می گوید که اوراهام ، یسحاق و یعقوب تحت بسیاری از سختی ها و آزمایش ها قرار گرفتند با این حال هیچگونه سؤالی از من نکردند.

اما در مودر این جوابی که خداوند به مُشه میدهد نیز چندین سؤال وجود دارد.

الف: مُشه رینو به مقام بالاتری از مقام پدران ما رسیده بود. او هفتمنین نسل از زمان اوراهام بوده

۱- تورا اور - وائرا ۵-۶ د - ۲- شموت ۲-۲ سوطاً ۱۳ الف

۲- لیکوتی تورا ص ۱۲ ج

۳- زوهر خاداش آغاز پیترو

و ربائیم گفته اند که "همواره هفتین ها مقدس و عزیز هستند" ^۵ حال که آنها اعمال خداوند را مورد سئوال قرار نداده بودند آیا مشه هم نمی باشد اعمال خداوند را مورد سئوال قرار دهد؟ ب: خداوند در جوابش به مشه عظمت پدران را توصیف می کند بنابراین می توانست بگوید که من «به اوراهام ، بیسحاق و بیسرائل ظاهر شدم» چرا که نام بیسرائل اشاره به حالت روحانی بالاتری می کند تا نام یعقوب ^۶ چرا خداوند می گوید من به اوراهام بیسحاق و یعقوب ظاهر شدم؟

ج: همه مطالب تورا دارای یک درس اخلاقی برای هر فرد یهودیست ^۷ و تورا از طریق معمول خودش خارج می شود تا یک کلمه ناخوشایند در رابطه با حیوانات بکار نبرد ^۸ چه برسد به در رابطه با یک فرد بیسرائل و چه برسد در رابطه با مشه که انسانی در حد و درجه و کمال بود. بنابراین ما می باشیم به این نتیجه برسیم که زمانی که خداوند مشه را مورد سرزنش قرار میدهد حتما برای این کار یک دلیل سیار قوی وجود دارد و آن تنها تاکید بر این مطلب نیست که او می باشد پدران را سمبول خود قرار بدهد.

ولی درک این مطلب بسیار مشکل است برای آنکه ما میدانیم که هر فرد یهودی در هر دوره ای این آزادی انتخاب را دارد که یا همچون مشه رینو رفتار کند و یا همچون پدران ما این درست است که ربائیم ما گفته اند ^۹ "دوره ای وجود ندارد که در آن مردان بزرگی همچون اوراهام ایسحاق و یعقوب و مشه وجود نداشته باشند". ولی این مطلب فقط به افراد جدا شده و بخصوصی اشاره می کند. ولی تورا به همه بیسرائل ها داده شده است و در "مورد اکثربت صحبت می کند". پس بنابراین چگونه این مطلب که هر فرد بیسرائلی این آزادی انتخاب را دارد که یا مثل پدران رفتار کند و یا مثل مشه در مورد همه افراد بیسرائل صدق می کند؟ و ما چگونه می توانیم بگوییم که در این مورد خاص (مورد سئوال قرار دادن اعمال خداوند) همه آنها می باشد همچون پدران رفتار کنند و نه همچون مشه؟

۲- مشه و پدران

تفاوت مشه و پدران ما اوراهام و بیسحاق و یعقوب ، در این است که مشه سمبول عقل و دانش (حوخما) بوده و در نتیجه از طریق او بود که تورا که عقل و دانش الهی می باشد به بیسرائل ها

^۶- برای توضیح بیشتر رجوع شود به ص ۴۵ همین کتاب

^۵- ویقارا ۱۱-۲۹

^۷- پسر ایم ۳ الف توضیح بیشتر در ص ۵۶-۷

^۸- زوهر بخش سوم ۵۳ ب

Aish Tamid
Parshat Va'eira, 5784

داده شد و پدران ما در مقایسه با او مظهر و سمبول صفات نیک و احساسات (میدوت) بودند. اوراهم خداوند را در درجه اول از طریق احساس عشق و محبت عبادت میکرد و او به عنوان "اوراهم دوستار من"^{۱۰} خوانده است . و رفتارش با انسانهای دیگر همچون با خداوند با نوعی محبت و عشق چه مادی و چه معنوی . توأم بود. یسحاق مظهر عبادت خداوند از طریق هیبت و قضاوت بود. در تورا از خداوند به نام هیبت یسحاق یاد می کند^{۱۱} در نتیجه یسحاق نمی توانست هیچگونه بدی را در جهان تحمل کند. "چشمان او زمانی که از بیت پرستی زنان عساو مطلع شد، ضعیف شد".^{۱۲} وبالآخره یعقوب نماینده رحم و شفقت می باشد که ترکیب کاملی ایست از عشق ، هیبت ، محبت و قضاوت ، پاسوق "خدای پدران من خدای اوراهم و هیبت یسحاق با من بود". به معنای آن است که او دارای هر دو نحوه عبادت اوراهم و یسحاق بود بنابراین تمامی اعمالش کامل بودند . چه در مقابله با وسوسه ثروت (محبت الهی) در زمانی که بالا وان زندگی میکرد. و آن مرد یعقوب بسیار بسیار ثروتمند^{۱۳} شد. و چه در مقابله با مسائل و مشکلات (دین) در زمانی که عساو با چهار صد نفر به مقابله با او آمده بود. در تمامی اینها "یعقوب آوینو کامل بود" و در حد کمال رفتار میکرد. و "یعقوب به سلامتی و کمال به آنجرسید".^{۱۴}

این به معنای آن نیست که ما صفات دانش و حکمت را در پدران و صفات احساس و عشق را در مُشه پیدا نمی کنیم پدران ما تورا می آموختند همانگونه که ربانیم گفته اند^{۱۵} خداوند به اوراهم بجای یک کلیه دو کلیه داده بود که همچون دو مرد عاقل به او عقل و دانش را آموزش داده به او مشورت میدادند^{۱۶} . "از زمان پدران مایشیواها هرگز از میان آنها از بین نرفت" . بلکه مُشه سمبول و نمایانگر هر دو صفت رحم و شفقت و قضاوت و دین می باشد. تورا در مورد مشه می گوید و "مُشه رنج و مشقت آنها را دید"^{۱۷} "چشمان او و قلبش برای بنی یسrael متاثر میشد" و این نمایانگر احساس رحم و شفقت اوست . و همچنین زمانی که فرد یسraelی را مورد سرزنش قرار می دهد و می گوید .^{۱۸} "چرا رفیقت را میزني" ؟ این مطلب نشان دهنده صفت قضاوت و دین در اوست . ولی با این حال صفت بارز و غالب مُشه ربنو علم و دانش او بود به همین خاطر بود که او تورا را به ایسرائل ها داده و تورا به نام او خوانده شده است . همانطور که گفته شده است "بیاد بیاورید تورا مشه بنده ام را"^{۱۹} و نحوه بارز

۱۰- یشعیا ۴۱-۸ ۱۱- برشیت ۳۱، ۴۲- راشی برشیت ۲۷-۱ ۱۲- برشیت ۲۷-۱ ۱۳- برشیت ۳۰-۴۳ ۱۴- برشیت ۱۸- ۲۳- شبکت ۲۳- الگ

۱۵- آوت و ربی نatan آغاز فصل ۳۳ - برشیت ریآغاز فصل ۶۱ تنتخوما، ویگش فصل ۱۲- ۱۶- یوما ۲۸ ب، ربیام

۱۶- هیلخوت عَوْدَا زَارَا پَالِيَانَ فَصْلٌ ۱۷- شَمُوت ۲-۱۱ ۱۸- شَمُوت ۲-۱۳ ۱۹- مَلَخِي ۳-۲۲

Aish Tamid
Parshat Va'eira, 5784

و غالب عبادت پدران ما از طریق احساس بوده است . صفتی که هر فرد بیسrael آنرا از آنها به ارت برده است .^{۲۰}

- سؤال مُشه

حالا مامی توانیم این مطلب را درک کنیم که چرا مُشه علی رغم دستیابی به مراحل بالاتری از روحانیت در مقایسه با پدران ، اعمال خداوند را اینگونه مورد سؤوال قرار میدهد، به این علت که یک انسان عقلانی خواهان آن است که علت همه چیز را درک کند . و زمانی که به موضوعی برخورد می کند که نمی تواند آنرا بفهمد این موضوع همچون دیواری میشود که مانع پیشرفت بیشتر او در عبادت خداوند میگردد. مشه خواهان جواب بود و برای آنچه که نمی توانست درک کند توضیح می خواست . و این توضیح و جواب او را باری میکرد که بتواند عبادتش را از طریق دانش و عقل ادامه دهد.

- ایمانی که در آن سؤالی فیست

و جوابی که او می گیرد این است که " من خداوند هستم و من به اوراهم ، ایسحاق و یعقوب به عنوان خداوند (کل شدی) قادر مطلق ظاهر شدم اما نام من (نام چهار حرفی) را به آنها نشناساندم ". قبل از اهداء تورا خداوند تنها به عنوان «الوکیم» که نوع محدودی از ظهور خداوند و نشان دهنده ظهور خداوند در محدوده جهانی که دارای پدیده های متفاوت است ظاهر میشد .^{۲۱} و به همین علت کلمه الوکیم بصورت جمع آمده است . ولی بعد از اهداء تورا در سینمای خداوند بصورت نام چهار حرفی اش که به معنی بینهایت و ورای همه تقسیمات و پدیده های متفاوت است ظاهر میشود که در این حالت تقسیمات و تفاوت ها ازین^{۲۲} رفته و تقسیم بندی مابین بالا و پائین و مابین احساس و عقل محو میشود.

به این ترتیب آنچه که خداوند به مُشه می گوید این است که : زمانی که تو در آستانه آزادی قرار می گیری که نتیجه آن اهداء تورا می باشد. تو می بایست از این تقسیمات ظاهري مابین عقل و احساس پافراتر بگذاري . و حتی اگر چه تو در درجه اول مرد دانش و حکمت هستی این حالت تو می بایست با قدرت احساس و محبت ترکیب شود تا ایمانی را درست کند

۲۰- ربام هیلخوت آول ، ۲-۱۴ ، ۲۱- به همین ترتیب نام "شدی" نشانگر آن صفاتی از خداوند است که در دنیا

محدود ظاهر میشود، برشیت ربای ۴۶-۲

۲۲- شموت ربای ۲-۳

Aish Tamid
Parshat Va'eira, 5784

که سئوالی را مطرح نمی کند.

و به همین علت است که خداوند در ذکر نام پدران از نام یعقوب استفاده می کند و نه یسrael و نام یعقوب اشاره به سطح معنویتی می کند که از نام یسrael پائین تر است . (در عربی کلمه «یعقوب» با کلمه «عقو به معنای پاشنه پا » در رابطه است . و کلمه یسrael از کلمات «لی روش» ترکیب شده است که به معنای "سر از آن من است" می باشد) ^{۲۳} و معنی ضمنی آن برای مشه آن است که عقل و دانش او می باشد احساس و عاطفه او را در بر گیرد و یا با قدرت ایمان او "قبالت عول" ترکیب بشود. معرفت و دانش می باشد احساس و عاطفه یکی شده در یکدیگر نفوذ کرده و برهم تاثیر بگذارند.

۵- دانش و عمل

دانش احساس و عشق نه فقط باعث میشود که انسان دارای ایمانی بشود که ورای سؤال قرار می گیرد بلکه این ایمان به عمل نیز منتهی میشود. عشق و عاطفه باعث میشود که انسان خوبی کند و ترس باعث میشود که "انسان از بدی پرهیز" ^{۲۴} کند. اما عقل و دانش به تهایی به انزوا و گوشہ گیری انسان منجر می شود . زمانی که قوای فکری انسان مشغول یادگیری میشود انسان علاقه خود را به عمل از دست داده و حتی اگر چه او می آموزد که چگونه عمل کند ولی دیگر علاقه ای به عمل نشان نمی دهد.

به همین علت است که رباینم هشدار داده اند که "کسی که می گوید من کاری ندارم که انجام بدهم بجز یادگیری تو را چنین شخصی از تو را چیزی نمی داند". و معنای این موضوع این است که یادگیری تو را به "تهایی" باعث میشود که رابطه انسان با دنیا قطع شود. پس یک چنین شخصی باید یادگیری اش را با عبادت عملی و احساس و عاطفه نسبت به دیگران توانم کند. مطالعه و یادگیری به تهایی و بدون عمل یک یادگیری واقعی و حقیقی نمی باشد.

۶- پدر و فرزند

به همین علت است که اورا هام ایسحاق و یعقوب که راه اصلی عبادتشان از طریق احساس عاطفه و عشق بوده است پدران ما خوانده شده اند. پدر کسی است که فرزند را ایجاد می کند. و از یک

۲۳- تنبیباخش اول فصل ۴

طرف "فرزندان مردان خدا اعمال نیک آنها هستند" ۲۴. یعنی کسانی که از طریق عشق و احساس خداوند را عبادت می کنند این عبادت به عمل ختم شده و این اعمال در واقع فرزندان آنها خوانده خواهد شد.

از طرف دیگر حاصل همه اعمال آنها در فرزندان آنها موجود است. یعنی آنها خودشان را از دیگران جدا نکرند بلکه علاقه مند به راحتی و رفاه دیگران بودند و بنابراین ارزش هایشان را به فرزندانشان به عنوان یک میراث دائمی منتقل کردند.

این مطلب توضیحی است بر تفسیر راشی که چرا اوراهم، ایسحاق و یعقوب را پدران معرفی می کند که مطلبی است واضح و روشن که همه آنرا میدانند. در واقع چیزی که راشی با این مطلب می خواهد به ما بگوید این است که ظاهر شدن خداوند به آنها بخاطر این خصوصیت پدرانه آنها بوده و آنکه آنها مردانی بوده اند که فرزندانی از خود بجا گذاشته اند (چه این فرزندان اعمال خوب آنها تلقی بشود و چه فرزندانی که صفات خوب آنها را به ارت برده اند) برطبق آنچه که تورا می گوید خداوند اوراهم را بخاطر آن دوست میداشت که "چونکه میدانم که او به فرزندانش و خانواده اش دستور خواهد داد که بعد از او راه و طریق خداوند رانگه بدارند". ۲۵

۷- معنای جواب خداوند

بنابراین جوابی که خداوند به مشه داد آن بود که اگر او شناخت خودش را از خداوند همچون شناخت پدران با عشق و احساس ترکیب کند بدون آنکه این خصوصیت شناخت خداوند از طریق دانش و حکمت را کنار بگذارد، به این ترتیب اولاً ایمان او بدون قید و شرط خواهد شد و دیگر سئوالی برایش مطرح نمی شود و ثانیاً او به مردمی تبدیل می شود که دانش خود را به عمل تبدیل کرده است.

در واقع ما می بنیم که مشه ربنو در این زمینه نهایتاً به درجاتی بالاتر از پدران هم رسید. در حالیکه آنها زندگی شبانی ۲۶ داشتند و از دنیا بدور بودند مشه ربنو تورا را ترجمه می کند و آنرا به دنیا عرضه می کند. و تابداجا بار جماعت ییسرائل را بدوش می کشد که به خداوند می گوید "۲۷ به من می گویی آنها را در بغل خودت حمل کن؟" این طریق دوگانه ظهور خداوند در کوه سینای "زمانی که بالا به پائین آمد و پائین به بالا رفت".

۲۴- راشی آغاز پاراشای نوح، برشیت ربای-۶ ۳۰-۲۵ برشیت ربای-۱۹ ۱۸-۱۹ راشی

۲۶- راشی دوایم ۱-۵ رسوتاً ۳۶ الف ۱۱-۱۲ بمیدبار

Aish Tamid
Parshat Va'eira, 5784

در زندگی درونی انسان نیز موجود است . بالا که بصورت سمبولیک عقل و دانش خوانده شده است به زمینه عمل کشانده شد. و پائین که (بصورت سمبولیک پذیرش کامل خواسته خداوند - قبالت عول) پاشنه یعقوب خوانده شده است به بالا رفت تا بدانجا که عقل را بنحوی صورت بخشد که به ایمان بدون قید و شرط تبدیل شد.

و این درسی است برای هر فرد یسrael که آنان که در بالاترین درجات روحانی هستند و آنان که در پائین ترین درجات هستند می بایست با یکدیگر همکاری کنند. سران طوایف شما می بایست پائین بیایند و خودشان را با جمع کنندگان چوب های شما و کشندگان آب شما یکی کنند . آنها نیز می بایست خودشان را با یادگیری تورا و انجام میصوت بالا ببرند و هر فرد یهودی حتی اگر در میان سران جماعت نیز جای دارد نمی بایست آنچنان غرق و شیفته یادگیری بشود که از دیگران جدا شده و مانع بشود که او در مسائل دنیوی داخل شود و از آنها غافل بماند. این قدرت ایجاد وحدت مابین بالاترین ها و پائین ترین ها خصوصیتی است که از مشه به ما به ارت رسیده است . و این نوع عملکرد باعث شد شخصی همچون مشه ربنو باعث آزادی ملت ما از مصر بشود و در وجود ما آن آزادی نهایی که همه مرزها را می شکند. یعنی آمدن ماشیح را فراهم کند. (منبع لیکوتی سیخوت فصل سوم ص ۸۵۴ الی ۸۶۲) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 854-862)

THIS ISSUE IS PRINTED IN LOVING MEMORY OF
Rabbi Ariel ben Shaltiel Zeev Rav-Noy
שַׁלְתִּיאֵל זַיֵּב רָנוֹי
on the occasion of his 9th yahrtzeit, 8 Shevat, 5784

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY CHABAD PERSIAN YOUTH

Rabbi Hertzl 'ש Peer
Los Angeles, California

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
<http://www.cpycenter.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.torah4blind.org>
e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Hertzl Peer, Executive Director

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>